

## کیهان

دنیا کشتزار آخرت است؛ هر کسی این‌جا هر چه بسکارد در آخرت درو می‌کند؛ زیرا «گندم از گندم بروید، جو ز جو» پس کسی که در دنیا جو می‌کارد، در آخرت گندم درو نمی‌کند. بسیاری از مردم «باد می‌کارند و توفان درو می‌کنند»؛ چرا که کشتزار دنیا را بر اساس هواهای نفسانی کشت می‌کنند و در آخرت از بادهای هواهای نفسانی جز توفان خشم و غضب الهی نمی‌توانند درو کنند؛ این‌گونه است که دست خالی به درون آتش دوزخ می‌روند و در درکات آن قرار می‌گیرند.
از نظر آموزه‌های قرآن، مهم‌ترین سرمایه انسان در دنیا، همین عمری است که برایش تقدیر شده و به عنوان «اجل» تعریف شده است. انسان باید دوازده دنیا را به گونه‌ای زندگی کند که ابدیت او همراه با سعادت و زندگی در بهشت رضایت الهی باشد؛ اما هواهای نفسانی نمی‌گذارند و بسیاری از انسان‌ها چنان غرق دنیا می‌شوند و تخم هوای نفسانی در زمین دنیا می‌کارند که در آخرت جز زهرپیر و آتش نیمیشتیان نمی‌شود.در نوشتار پیش رو اهمیت سرمایه‌گذاری معنوی در دنیا برای زندگی ابدی در سرای دیگر تشریح شده است.

**ابدیت اخروی در سایه اعمال دنیوی**

از نظر قرآن، زندگی دنیوی برای انسان چیزی جز «عصر» نیست. برای حقیقت عصر معانی مختلفی است. از جمله مراد از عصر، هنگامه پس از زوال و نزدیک به غروب خورشید است. این بدان معناست که زندگی انسان در دنیا، از نظر کوتاهی تا این‌اندازه محدود است و باید بیشترین و بهترین بهره را در این مدت کوتاه برد.

البته ممکن است منظور از آن عصر، جهان کنونی باشد؛ زیرا جهان فعلی از نظر زمانی بسیار طولانی است و انسان در عصر جهان کنونی به زمین مهبوط کرده و در آن مستقر شده تا از متاع زندگی دنیوی برای آخرت استفاده کند؛ در حقیقت خلقت جهان کنونی زمانی دراز داشته و مهبوط در زمان عصر این خلقت کنونی اتفاق افتاده است. شاید مراد از عصر، همان دوره آخرالزمانی باشد که پس از بعثت پیامبر(ص) شروع شده و با امامت و ولایت امام‌العصر(عج) پایان می‌یابد یا شاید مراد از عصر، دوره فشرده و کوتاهی است که در آن انسان حقیقت خویش را بسوز و ظهور می‌دهد و چکیده و عصاره و به نَشته و عالم دیگر منتقل می‌شود؛ پس مدتی که بر انسانی در دنیا زندگی می‌کند، در مراحل زیست او در هستنی، بخش عصر و عصاره‌گیری اوست که حقیقت او در این دوره زمانی مشخص و معین شده و سرنوشت ابدی او از سعادت و شقاوت رقم می‌خورد.با نگاهی به آموزه‌های قرآن و روایات

## خداوند روزی همه جنبندگان از جمله انسان‌ها را تضمین کرده اما اگر افرادی دنبال روزی افزون‌تر باشند که به آن فضل می‌گویند، باید تلاش بیشتر کنند. به عبارت دیگر برخی از مردم دنبال «فضل الهی» هستند که چیزی بیشتر از رزق تقسیم و تضمین شده است. از نظر قرآن، این بخشی باید با تلاش و جست‌وجوی شخص تحقق یابد و بدون تلاش و تجارت و کار، دست‌یافتنی نیست. اما این تلاش و کوشش برای کسب فضل الهی نباید موجب شُودن تا شخص مشغول به دنیا شده و دنیازده گردیده و از واجبات دینی و آخرت خویش بازماند.

تنبیینی از معصومان(ع) همه این احتمالات به عنوان معانی عصر مطرح شده و همگی صحیح و درست است. هر کسی در این «عصر» به هر معنا از معانی پیش گفته، در خسران و زیان از سرمایه‌ای است که خدا برایش در این «عصر» فراهم کرده است؛ اما اگر به چهار عمل اصلی بپردازد که شخصی و اجتماعی است، می‌تواند خودش را نجات داده و تبیینی از معصومان(ع) همه این احتمالات به عنوان معانی عصر مطرح شده و همگی صحیح و درست است. هر کسی در این «عصر» به هر معنا از معانی پیش گفته، در خسران و زیان از سرمایه‌ای است که خدا برایش در این «عصر» فراهم کرده است؛ اما اگر به چهار عمل اصلی بپردازد که شخصی و اجتماعی است، می‌تواند خودش را نجات داده و تبیینی از معصومان(ع) همه این احتمالات به عنوان معانی عصر مطرح شده و همگی صحیح و درست است. هر کسی در این «عصر» به هر معنا از معانی پیش گفته، در خسران و زیان از سرمایه‌ای است که خدا برایش در این «عصر» فراهم کرده است؛ اما اگر به چهار عمل اصلی بپردازد که شخصی و اجتماعی است، می‌تواند خودش را نجات داده و

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است؛ به اصطلاح، علت مُقیّبه است. اصلاً اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست. رسیدگی کردن دائم به وضع مسلمان است. آیا یک کارخانه بدون بازرسی و رسیدگی دائمی مهندسین متخصص که ببینند چه وضعی دارد، قابل بقاست؟ اصلاً آیا ممکن است یک سازمان همین‌طور به حال خود باشد، هیچ درباره اش فکر نکنیم و در عین حال به کار خود ادامه ده‌د؟ ابداً.

جامعه هم چنین است. یک جامعه اسلامی این‌طور است بلکه صد درجه برتر و بالاتر.

شما کارکنان انسان را پیدا می‌کنید که از پزشک بی‌نیاز باشد؟ یا انسان باید خودش پزشک بدن خود باشد یا باید دیگران پزشک باشند و او ا معالجه کنند.متخصص چشم، متخصص گوش و حلق و بینی، متخصص مزاج، متخصص اعصاب.

انسان همیشه انواع پزشک‌ها را درنظر می‌گیرد برای آنکهاندانشم‌ش را تحت نظر بگیرند، ببینند در چه وضعی است. آن‌وقت جامعه نظارت و بررسی نمی‌خواهد؟! جامعه رسیدگی نمی‌خواهد؟! یا چنین چیزی امکان دارد؟! ابداً!

**چه زمانی بی‌ارزش می‌شویم؟**

اینکس می‌گویم این اصل(مر به معروف و نهی از منکر)، آبروی مسلمانین است و به مسلمانین ارزش می‌دهد، از خودم نمی‌گویم، عین تعبیر ایه قرآن است: «كُنْتُ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه، ۱۱۰)
ببینید قرآن چه تعبیرهایی دارد به خدا انسان حیرت می‌کند از این تعبیرهای قرآن: «كُنْتُ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» شما چنین بودهاید(«بودهاید» که قرآن در این گونه موارد یعنی «هستید»، شما با ارزش‌ترین ملت‌ها و امت‌هایی هستید که برای مردم به وجود آمده‌اند.

ولی چه چیز به شما ارزش داده است و می‌دهد، که اگر آن را داشته باشید با ارزش‌ترین امت‌ها هستید: «تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»

اگر امر به معروف و نهی از منکر در میان شما باشد، این اصل که شما امت مسلمان ارزش می‌دهد.

شما به این دلیل بارزترین امت‌ها هستید که این اصل را دارید (که در صدر اول هم چنین بوده است)، این اصل به شما ارزش داده است.

پس آیا آن روزی که این اصل در میان ما نیست، یک ملت بی ارزش می‌شویم؟

بله همین‌طور است.<sup>(۱)</sup>

فقدان حساسیت ما در قبال امر به معروف و نهی از منکر

تمام هدف‌های مثبت اسلامی داخل در معروف و تمام هدف‌های منفی اسلامی داخل در منکر است،

روح امر به معروف و نهی از منکر عبارت است از:

لِزُوم استفاده از هر وسیله مشروع برای پیشبرد اهداف اسلامی.
متأسفانه کارنامه ما مسلمان در این زمینه کارنامه نرَم و ملایم و واقعاً معتقد و مؤمن شد و روش خود را بکلی تغییر داد؛ نماز را، نمازگار را می‌خواند، روزه‌اش را می‌گرفت، کارش به جایی کشید که با اینکه اداری بود و پست حساسی هم به خراسان داشت، مقید شده بود که نمازش را با جماعت بخواند. می‌رفت مسجد گوهرشاد پشت سر مرحوم آقای نهایندی، لباس‌های

### معارفMaarefkayhan@Kayhan.ir



آخرت، سرای ابدیت است؛ بنابراین، هر چیزی که انسان از دنیا به آخرت می‌برد، به معنای ابدیت است؛ در حقیقت در دنیا عصاره‌ای از خویش می‌سازد و به آخرت می‌برد که او را بهشت ساز یا دوزخ ساز می‌کند؛ زیرا دوزخ یا بهشت چیزی جز خود انسان نیست؛ از همین رو درباره دوزخ این تعبیر می‌شود که دوزخ را می‌آورند جایی، می‌بومند بجهنم؛ آن روز دوزخ را می‌آورند(فجر، آیه ۲۲) پس این انسان خودش دوزخ شده که او را می‌آورند، البته فضایی از دوزخ را نیز خود شخص با عمل می‌سازد؛ چنان‌که انسان بهشتی نیز این‌گونه است؛ زیرا خود انسان به‌ویژه مقربان خودشان روح و روح ساز و بهشت نعيم هستند.(واقعۀ، آیات ۸۸ و ۸۹) که هر حال، انسان است که در عصر دنیا برای خویش ابدیت را می‌سازد که بهشت یا دوزخ یعنی سعادت ابدی یا شقاوت ابدی است. نفس انسانی اگر در دنیا ایمان و عمل صالح و تواضع به حق و تواضع به صبر داشته باشد، خود بهشت و بهشت آفرین است، و گر نه دوزخ و دوزخ آفرین خواهد بود.

می‌شود تا جایی که ناگهان مرگ می‌رسد؛ زیرا اجل هر کسی با اجل دیگری فرق دارد و تضمین نشده که همگان به سنین پیری برسند. لذا بسیاری از انسان‌ها در کودکی یا نوجوانی یا جوانی می‌میرند.

از سوی دیگر حضرت(ع) به این مطلب توجه می‌دهد که هر کسی هر چه بکارد درو می‌کند. همچنین در مسئله رزق و روزی به این نکته توجه می‌دهد که روزی هر کسی تقسیم شده (زخرف، آیه ۲۲) و تضمینی است. پس اگر کسی کند رود محروم نمی‌ماند و کسی که تند رود به بیشتر از استحقاق خویش نمی‌رسد. هر چه به کسی داده شود یا گرفته شود، همه براساس مقرراتی است که قبل از خلقت در ام الکتاب برای هر کسی نوشته شده است.(حدید، آیات ۲۲ و ۲۳) وقتی روزی و رزق تقسیم شده (زخرف، آیه ۳۲) و مقدر است و افزایش و کاهش روزی نیز دست خدا است(بقره، آیه ۲۴۵؛ رعد، آیه ۲۶؛ اسراء، آیه ۳۰). دیگر معنادارد کسی گمان کند که به کمک علم اقتصاد یا تلاش و هوش خود به ثروت رسیده است؛ زیرا کاهش و توسعه روزی در دست خداست.(قصص، آیه ۷۸؛ زمر، آیه ۴۹) خداوند روزی همه جنبندگان از جمله انسان‌ها را تضمین کرده‌اما اگر افرادی دنبال روزی افزون‌تر باشند که به آن فضل می‌گویندباید تلاش بیشتر کنند.

به هر حال، رزق حتمی و تضمینی به شخص می‌رسد و در این بخش دنبال کردن معنایی ندارد؛ زیرا کسی که دنبال این امور باشد، خودش را از واجبات باز می‌دارد که همان تکالیف عبادی و خودسازی و کسب ره توشه آخرت دنیا شده و دنیازده گردیده و از واجبات دینی و آخرت خویش بازماند.

به هر حال، رزق حتمی و تضمینی به شخص می‌رسد و در این بخش دنبال کردن معنایی ندارد؛ زیرا کسی که دنبال این امور باشد، خودش را از واجبات باز می‌دارد که همان تکالیف عبادی و خودسازی و کسب ره توشه آخرت دنیا شده و دنیازده گردیده و از واجبات دینی و آخرت خویش بازماند.

### هر چند که از نظر زمانی، حضور انسان در نشئه عالم دنیوی و زندگی در زمین بسیار کوتاه است، اما مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش از زندگی او را تشکیل می‌دهد؛ زیرا انسان در این مدت کوتاه، ابدیت خویش را رقم می‌زند. پس اگر به چهار عمل اصلی بپردازد، سعادت ابدی را با حضور در بهشت برای خویش رقم می‌زند و اگر به هر یک از این چهار عمل نپردازد، گرفتار عیب و نقص خواهد بود و باید فراقی سخت را در دوزخ تجربه کند که همراه با شقاوت است.

**کشت و داشت از نظر امام عسکری(ع)**
امام حسن عسکری(ع) در روایتی به ابعاد این آموزه‌های قرآن پرداخته و به تبیین تفسیری کشت در برداشت در آخرت پرداخته است. ایشان می‌فرمایند:اکنم فی اجل منقوصه و ایام معدوده و الموت یاتی بغتة. من یزرع خیرا یحصد غیطة و من یزرع شرأ یحصد ندامة. لئلا زاع ما زرع. لایسق بطیء یخلفه و لایدرک حریص ما لم یقتر علیہ. من اعطی خیرا فالله اعطاه و من وقی شرأ فالله عقاه. عمرهای شما رو به کاهش است، دوران شما محدود است، مرگ ناگهان می‌رسد. هر که نیکی بکارد، خوشی درو می‌کند؛ هر که کسی زشتی بکارد، شیمیانی درو می‌کند؛ هر کسی آنچه را کشتند، درو خواهد کرد. نه کند رو از بهره و نصیب خود عقب می‌ماند و نه حریص بیش از آنچه مقدر امام صادق(ع) خطاب سه یکی از یاران می‌فرماید: یا حفص ما منزله الحاضن، من نفسی! الایمنزله الیمینة!اضطررت الیه!ااکلت منک!الحاضن، موقعیت دنیا در نزد من همانند مرداری است که چون ناچار و مضطر شوم، از آن استفاده کنم.(وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱۲، حدیث ۶)

## امر به معروف و نهی از منکر معیار اسلامی بودن جامعه

**استاد شهید مطهری**

همین آدم که شما از او انتظار ندارید، یک‌دفعه می‌بینید آمد به زیارت حضرت رضا. همه تان می‌گویند معلوم می‌شود آدم مسلمان است.

ایسن دفعه وقتی او را می‌بینید، یا او خوش و بش می‌کند، یعنی از هزار خصلت او نهصد و نود و نه تای آن بر ضد شما و بدین شمامت.

چون از او انتظار ندارید، همین‌قدر که یک زیارت حضرت رضا آمد می‌گویند، نه معلوم شد مسلمان است. اما در مورد آن کسی که از هزار خصلت، نهصد و نود و نه خصلتت مسلمان است، می‌خصلتش به قول شما خلاف است، به خاطر این خصلت می‌گویند این دیگر مسلمان نیست و از حوزه اسلام خارج شد.

پس شما دوست دشمنانتان هستید یعنی کمک به دشمنانتان می‌کنید و دشمن دوستانتان هستید یعنی در واقع دشمن خودتان هستید.

**کج فهمی خوارج نسبت به امر به معروف**
در فقه خوارج، امر به معروف و نهی از منکر یک تعبد محض است، یعنی انسان حق ندارد حساب و منطق را در آن وارد کند.

او باید کور گورانه و چشم بسته، امر به معروف و نهی از منکر کند و او یقین دارد که در این‌جا سرمایه را مصرف می‌کند و سودی هم نمی‌برد.

و نهی از منکر، منکر منطق نیست، فلان گفته تو باید به هر حال امر به معروف و نهی از منکر کنی.

اثقه ما به ما گفتند این اشتباه است؛ خدا این‌جور امر به معروف و نهی از منکر را دستور نداده است.

در امر به معروف و نهی از منکر قطعاً باید حساب، تدبیر، فکر و منطق به کار برده شود.

علمایی که در مسائل اجتماعی مطالعه کرده‌اند، گفته اند که راز انقراض خوارج همین بود که در امر به معروف و نهی از منکر، مردم منکر منطق بودند. می‌آمد در حضور یک جتار گردنکش در حالی که شمشیرش را کشیده بود، یقین داشت که در این‌جا حرف‌ش کوچک‌ترین اثری ندارد، ولی می‌گفت.

و من آن‌سا او را معذوم می‌کرد. به اصطلاح تاکتیک نداشتند، منطق و حساب در کارشان نبود، بی‌گذار خودشان را به آب می‌زدند.نتیجه، اعتراض‌شان شد. <sup>(۱)</sup> **اثقه** (مارع)گفتند این کار غلط است.

- مجموعه آثارشهیدمطهری(حماسه حسینی ج ۱)، ج ۱۷، صص: ۲۲۶-۲۲۵.
- همان، صص: ۱۵۸-۱۵۶.
- همان، صص: ۲۹۱-۲۹۰.
- مجموعه آثار شهید مطهری(جاذبه و دافعه علی(ع))، ج ۴، صص: ۸۲۲.
- مجموعه آثار شهید مطهری(حماسه حسینی (۲))، ج ۱۷، صص: ۲۵۲-۲۵۱-۲۴۹-۳۰۴ و ویرایش جزئی.

**شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲**
**۲۹ شوال ۱۴۴۴ – شماره ۳۳۳۰۴**

## چراغ راه

## بدترین مردم با صفت خودبترتربینی

**قال الامام علی(ع): «شر الناس، من یرى انه خیرهم».**
**امام علی(ع) فرمود: بدترین مردم کسی است که خودش را بهتر از دیگران بداند.** <sup>(۱)</sup>

۱- غررالحکم، ج ۴، ص ۱۶۸، ح ۵۷۰۱

## حکایت خوبان

## اکثریت مردم دنیاپرستند!

«اسحاق ابن غالب» می‌گوید: امام صادق(ع) به من فرمود: «به نظر تو چند نفر از افراد جامعه، مصداق این آیه شریفه هستند؟» «فان اعطوا منها رزوا، و ان لم یعطوا منها اذا هم یسخطون»(توبه- ۵۸)

اگر پول و دنیا(مصداقات) را به آنها بدهی، همه از تو راضی می‌شوند(و هم به دنبال تو می‌دوند) اما اگر صدقات و پول به آنها ندهی و دنیا را از آنان دریغ کنی، همه با تو دشمنی می‌کنند(و هم از تو رویگردان می‌شوند) اسحاق می‌گوید: من چیزی نگفتم و ساکت ماندم. حضرت به من فرمودند: «هم اکثر من ثلثی الناس» بیش از دوسوم مردم این‌گونه هستند(اکثریت) یعنی کسانی هستند که حب دنیا بر قلوب آنها غلبه کرده و دنیا وجهه قلب آنها گردیده است. <sup>(۱)</sup>

## ۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۲۴

## پرسش و پاسخ

## آزادی تفکر یا عقیده؟ (۲)

**پرسش:**
**آیا اسلام موافق آزادی عقیده به صورت مطلق است؟ آیا لازمه احترام به حقوق بشر این است که اگر شخصی هر عقیده‌ای ولو باطل و خرافی را انتخاب کرد، ما آن را محترم بشماریم؟**
**پاسخ:**

در بخش نخست پاسخ به این سؤال مباحثی همچون به آزادی تفکر و عقیده و لزوم تفکیک میان آن دو، و تفکر و اهمیت آن پرداختیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را بی می‌گیریم.

**اجتهادی بودن و تقلیدی نبودن اصول عقاید**
وجه تمایز اسلام با سایر مذاهب‌ها این است که پذیرش اصول عقاید آن جز از راه تفکر و اجتهاد شخصی قابل قبول نیست. به بیان دیگر اصول عقاید اسلامی تقلیدی و وراثتی نیست و هر کس باید خودش با اجتهاد شخصی و تفکر و استدلال‌های عقلی آنها را بپذیرد. بنابراین نه‌تنها فکر کردن در اصول دین جایز و آزاد است، بلکه اساسا تفکر در اصول دین در حدی که استدلال‌های لازم و کافی را بتواند برای اثبات خدا، نبوت و معاد ارائه دهد، واجب است، و تقلید در اصول دین حرام و جایز نیست.

**تفاوت اسلام و مسیحیت**

تفاوت اسلام با مسیحیت و حتی با سایر ادیان در این زمینه كاملاً شفاف است. اصول دین مسیحی، ماورای عقل و فکر شناخته شده است. اصطلاحی هم خودشان وضع کردند که «لان جا قلمرو ایمان است، نه قلمرو عقل». یعنی برای ایمان یک منطقه قائل شدند و برای عقل و فکر منطقه دیگری، گفتند. حساب عقل و فکر یک‌دین حساب است. حساب ایمان و تسلیم شدن حساب دیگری است. تو می‌خواهی فکر کنی، در قلمرو ایمان حق فکر کردن نداری. قلمرو ایمان فقط قلمرو تسلیم است. در این‌جا حق فکر کردن نیست. اما در منطق اسلام اگر کسی سؤال و شبهه‌ای به ذهنش رسید، لازم و واجب است که آنها را بپرسد و درصدد حل آنها باشد. از پیامبر اکرم(ص)، امام علی(ع) و سایر ائمه(ع) سؤال می‌کردند و آن بزرگواران هم جواب می‌دادند، که همه آنها در کتاب‌های احتجاجاتی که داریم آمده، و این نشان می‌دهد که در زمینه اصول دین در اسلام جعفر حق آزادی بیان و آزادی سؤال و شبهه‌کردن داده شده است.

**عقیده و اقسام آن**
عقیده و اعتقاد از ماده عقد و اعتقاد است، و به معنای بستن و زره ن‌گن آمده است. اعتقاد در دل بستن به یک چیز دوگونه است: ۱- ممکن است مبنای اعتقاد و دل‌بستن بر اعتقاد و انانسان همان تفکر باشد، در این صورت بعبادش بر مبنای تفکر است. ۲- ولی گاهی انسان به چیزی اعتقاد پیدا می‌کند، که اعتقاد او کار دل و احساسات است، نه کار عقل و تفکر. به بیان دیگر در این‌جا پشتوانه اعتقاد تفکر و تعقل نیست.

**عقیده مذموم و منوع**

از منظر اسلام اعتقاداتی که پشتوانه تفکر و تعقل ندارند، مذموم و ممنوع شمرده می‌شوند و آزادی در این عرصه‌ها مجاز نمی‌باشد، زیرا این نوع اعتقادات مذموم و دل‌بستگی‌ها در انسان‌ها، جمود، تعصب و خمود و سکون به وجود می‌آورد و همانند عل و زنجیر دست و پای آنها را می‌بندد و جلوی فعالیت‌های فکری و آزادی اندیشه و تفکر نمی‌کند. (نم لایخضره، القلیقه ج ۴، ص ۳۸۰) به عنوان مثال: بت‌پرستی و گاوپرستی و چگونگی می‌تواند مجاز و آزاد باشد؛ یا با این عقاید باید مبارزه کرد تا نباید مبارزه کرد؛ آیا آزادی فکر که می‌گویم، شامل عقیده یا این معنای می‌شود؟

**مغالله دنیای امروز و اعلامیه حقوق بشر**

مغالطه دنیای امروز مبتنی بر این است که از یک سو می‌گویند: فکر و عقل بشر باید آزاد باشد و از طرف دیگر می‌گویند: عقیده هم باید آزاد باشد. بت‌پرست و گاوپرست و ... که باید در عقیده خودش آزاد باشد! هر کس هر چیزی را به عنوان عقیده برای خودش انتخاب کرده باید آزاد باشد! در حالی که این‌گونه عقاید، ضدآزادی فکر است و دست و پای او را همانند غل و زنجیر می‌بندد. حتی خود اعلامیه حقوق بشر هم همین اشتباه را کرده است. زیرا از یک سو اساس فکر را این قرارداد است که حینیت انسانی محترم است، و چون بشر محترم است، پس هر عقیده‌ای را خودش برای خودش انتخاب کرده، باید برای دیگران هم محترم باشد! از طرف دیگر به این تناقض جواب نمی‌دهند که اگر کسی برای خودش غل و زنجیر انتخاب کرد که منافی آزادی فکر و حینیت انسانی است، چگونگی ما می‌توانیم آن را این محترم به حساب‌آوریم و کاری به آن نداشته باشیم؟ آیا لازمه محترم شمردن بشر این است که ما او را در عقایدی همچون بت‌پرستی، گاوپرستی و... که همچون غل و زنجیر دست و پای او را در مسیر رشد و تعالی و آزادی‌اندیشه و تعقل می‌بندند، آزاد بگذاریم و آنها را محترم بشماریم؟ یا اینکه لازمه آزادی فکر و محترم شمردن بشر حینیت انسانی این است که ما انسان را در راه ترقی، پیشرفت و تکامل هدایت کنیم و غل و زنجیرها را از دست و پای او به عنوان موانع رشد و تعالی برطرف سازیم؛ بنابراین محترم شمردن غل و زنجیرها، بی احترامی به استعداد و حینیت انسانی و آزادی فکر او است که باید این موانع را از پیش پای او برداشت. سه نمونه از برخورد صحیح پیامبران با آزادی عقیده عبارتند از: ۱- حضرت ابراهیم(ع) بت‌پرستی ۲- حضرت موسی(ع) با گوساله‌پرستی ۳- پیامبر اکرم(ص) با بت‌پرستی و سنت‌های جاهلی غلط.

## سlovak عارفانه

## انسان اسیر هوای نفس نمی‌تواند آزادی اجتماعی را محترم بشمارد!

آیا ممکن است بشر آزاد شده باشد، ولی آزادی معنوی نداشته باشد؟ یعنی بشر اسیر شهوت، خشم، حرص و از خود‌باشند ولی در عین حال آزادی دیگران را محترم بشمارد!امروز عملاً می‌گویند: بله عملاً می‌خواهند بشر برده حرس، از شهوت و خشم خودش آسیر نفس اماره خودش باشد و در عین حال چنین بشری که اسیر خودش است، آزادی اجتماعی را محترم بشمارد. یکی از تضادهای اجتماع امروز بشر همین است. <sup>(۱)</sup>

۱- آزادی انسان، شهید مرتضی مطهری(ره) بیش مطهر، ص ۷۱

## صفحه معارف و روز های: شنبه ، یک شنبه سه شنبه و پنج شنبه منتشر می شودتلفن های مستقیم: ۳۳۹۶۱۹۹۱ – ۳۵۲۰۲۲۲۱Maarefkayhan@Kayhan.ir